

سوال ۲:

آیا در صورت اضطرار، حرمت نظر به عورت اجنبیه و وجوب ستر برداشته می شود؟

می توان گفت: در صورت اضطرار همانند همه احکام دیگر، حرمت نظر برداشته می شود. و وجوب ستر در حق بیماری که نسبت به بیماری خاصی در محدوده عورت اضطرار پیدا کرده است، مرتفع می گردد. بر این مطلب که می توان آن را از مسلمات برشمرد، در مسالک ادعای اجماع شده است.^۱ مرحوم شیخ انصاری چنین اجماعی را ظاهرتر از آنکه بخواهد مورد حکایت و یا ادعا قرار گیرد، می نامد.^۲

علاوه بر اجماع می توان به آیه شریفه «مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ...»^۳ نیز تمسک جست و شواهد بسیاری نیز می توان در ابواب مختلفه فقه بر آن یافت^۴ که تنها به عنوان تبرک و تیمن به ذکر یک روایت از امام صادق علیه السلام در این باره می پردازیم. روایتی که مرحوم شیخ طوسی در تهذیب از سماعة بن مهران از امام صادق علیه السلام نقل کرده است و در فراز آخر آن آمده است: «لیس شیء مما حرم الله و قد احله لمن اضطر اليه.»^۵ کما اینکه چنانکه مرحوم شیخ هم اشاره کرده اند، جواز ارتکاب اقل القبیحین، از زمرة مستقلات عقلیه به شمار می آید.^۶

البته ذکر این نکته هم خالی از لطف نیست که میان متکلمین در این باب اختلافی است که آیا امر قبیح وقتی مورد ضرورت واقع شد، کماکان قبیح است و یا قبح آن از بین می رود.^۷ طبیعتاً این نکته از حوصله مقال ما خارج است و آن را باید در حوزه ای کلامی به بحث نشست.



۱. شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۷: ۵۰.

۲. انصاری، المکاسب، ج ۲: ۲۱.

۳. نحل: ۱۰۶؛ همچنین رک به: آل عمران: ۲۸.

۴. علامه حلی، تحریر الاحکام، ج ۱: ۳۳۹.

۵. شیخ طوسی، تهذیب، ج ۱: ۳۳۹؛ حر عاملی، ۵ وسائل الشیعه، ج ۱۶، باب ۱۲.

۶. المکاسب، ج ۲: ۲۱.

۷. قوشچی، شرح تجرید: ۳۳۸.

سوال ۳:

در صورتی که بیمار مضطر است، چرا برای طبیب که مضطر نیست نظر جایز است؟

مرحوم حائری در پاسخ به این سوال می نویسد:

«و توهم أن الاضطرار إنما يوجب رفع الحكم عن المضطرّ دون غيره، فكيف يجوز للطبيب رفع اليد عن الواجب مع أن المضطرّ هو المريض لا الطبيب (مدفوع)

بما عرفت مع اما كان ان يقال أن الاضطرار إنما يوجب رفع الحكم عن خصوص المضطرّ فيما إذا لم يكن رفعه عنه متوقفاً عقلاً على رفعه عن غيره كما في المقام، وإلا فيكون دليل رفعه عن المضطرّ دالاً بدلالة الاقتضاء على رفعه عن ذلك الغير أيضاً؛ صوتاً عن اللغوية. (ان قلت) لازم ما ذكرت هو وجوب النظر على الطبيب للعلاج لا مجرد جوازه اذ لا يترتب الغرض و هو رفع الاضطرار على مجرد اذله حينئذ ان يمتنع عن النظر و معه يكون رفع الحكم عن المضطر لغواً ضرورة ان رفعه عنه انما هو لاجل رفع الاضطرار و قد حقق في محله عدم نهوض ادلة رفع الاضطرار لاثبات التكليف. (قلت) ان الغرض من رفع الحكم عن المضطر بادلته رفعه، ليس هو رفع الاضطرار عنه فعلا كيف و الا لم يجد في رفعه كايجاب النظر و العلاج على الطبيب ايضاً لامكان امتناعه عنهما عصياناً، بل الغرض من رفعه عن المضطر هو رفع ما يكون مانعاً عن رفع اضطراره من قبل الشارع من تحريم ابدائها جسدها للاجنبي و تحريم النظر على الاجنبي اليها، و هذا الغرض يحصل بمجرد تجويز الابداء لها والنظر للطبيب كما لا يخفى.»

توضیح:

۱. در پاسخ می گوئیم:

اگر رفع اضطرار، منوط به رفع حکم از شخص مضطر باشد، حکم فقط از مضطر برداشته می شود ولی اگر رفع اضطرار، وابسته به این باشد که حکم از فرد دیگری هم رفع شود، در این صورت برای اینکه ادله «جواز در فرض اضطرار» لغو نباشد، حکم از فرد دیگری هم رفع می شود.

۲. ان قلت: لازمه این سخن (که برای جلوگیری از لغویت، طبیب می تواند نظر کند) آن است که بر طبیب واجب باشد که نظر کند. چراکه اگر جایز باشد طبیب می تواند چنین نکند و اگر برای طبیب جایز باشد، ادله «رفع حکم ضرری» نمی تواند موجد حکم باشد بلکه عرفاً رافع است.





۳. قلت: ادله رفع اضطرار، نمی خواهد در عالم خارج، واقعاً اضطرار را رفع کند (والا اگر هم نظر را واجب کند، ممکن است طیب عصیان کند) بلکه می خواهد موانع را بردارد و صرف جواز این کار را می کند.

آیت الله شبیری در پاسخ به فرمایش مرحوم حائری می فرمودند:

مقدمه وجودی یک تکلیف نباید حرام باشد ولی مقدمه وجوبی یک تکلیف می تواند امری حرام باشد مثلاً توبه واجب است و مقدمه وجوبی آن، گناه کردن است.

حال: وقتی یک طیب هست که گناه و نظر کند، تجویز کشف عورت برای مریض، لغو نیست.

ما می گوئیم:

۱. لازمه فرمایش سیدنا الاستاد آن است که ادله تجویز کشف عورت، مقید به وجود طیب فاسق باشد. (در حالیکه ادله رفع اضطرار مطلق است.) چراکه وقتی شارع می گوید «برای بیمار جایز است که کشف عورت کند» این کلام به نحو قضیه خارجیّه انشاء نشده است (که شارع توجه به واقعیت خارجی و وجود طیب فاسق داشته باشد) بلکه به نحو قضیه حقیقیّه وارد شده است و چون در فرض عدم وجود طیب فاسق، این تجویز لغو است، لاجرم این کلام مقید به قیدی می شود که کلام را از لغویت خارج کند. به عبارت دیگر چون تنها در فرض وجود طیب فاسق، این تجویز لغو نمی باشد، کلام به چنین صورتی مقید می شود و این خلاف متفاهم از ادله رفع اضطرار است.

۲. مرحوم حکیم در پاسخ به سوال (چرا طیب می تواند نظر کند در حالیکه برای او ضرری نیست)

به دلیل نفی ضرر تمسک کرده است.^۱

مرحوم خوئی در پاسخ به ایشان می نویسد:

«و لا یخفی أنه لا مجال للتمسک لإثبات الحکم بقاعدة نفی الضرر، أو قوله (علیه السلام): «لیس شیء مما حرّم الله إلّا و قد أحلّه لمن اضطرّ إليه». فإنّ من الواضح أنّ مثل هذین الدلیلین لا یشملان الطیب نفسه، فإنّهما إنّما یرفعان الحکم عمّن یتوجه الضرر علیه نتیجة ذلك الحکم، فلا یدلّان إنّما علی جواز کشف المرأة المریضة نفسها أمام الطیب، أما جواز نظر الطیب إليها فلا دلالة لهما علیه

۱. مستمسک، ج ۱۴، ص ۳۴.

لعدم اضطراره إلى ذلك.»^١



دین خارج فقہ ائمہ سید حسن خمینی

١ . موسوعة الإمام الخوئي، ج ٣٢، ص ٦٢.